



محمد علی محمدی

اشاره

در شماره‌های پیشین، اهمیت پرسش، تفاوت پرسش و شبهه، اهمیت روش شناسی و همچنین انواع پرسشها را که عبارت است از پرسشهای ارتباطی، انکاری، آموزشی، تقریری، تعتی، بیهوده و ممنوع، بررسی کردیم. در این شماره، برخی از آداب پرسشگری را مرور می‌کنیم.

آداب پرسشگری

پرسشگری آدابی دارد که پرسشگر باید آنها را دانسته و تا جایی که ممکن است بدانها عمل کند. این

آداب فراوانند؛ ولی در اینجا به ذکر

برخی از آنها بسنده می‌شود:

(۱. اجازه خواستن برای پرسیدن؛

هر گاه پرسشگر بخواهد مطلبی را

از استاد بپرسد، لازم است از او اجازه

بگیرد و در صورتی که استاد اجازه

داد، سؤال خود را مطرح کند، و در

غیر این صورت باید سؤال خود را به

زمان مناسب دیگری موکول کند. این

اصل از اصولی است که نه تنها در

پرسشگری؛ بلکه در هر آموزشی باید

مد نظر باشد؛ چنانکه وقتی حضرت

موسی علیه السلام می‌خواست از حضرت

خصوصیات پرسشگر، پاسخ را مشروط به شرایطی کند؛ چنانکه حضرت خضر علیه السلام چنین کرد.

۲. احترام پاسخگو و سلام کردن به او

امیرمؤمنان در این باره می‌فرماید:
 «إِنَّ مِنْ حَقِّ الْعَالِمِ أَنْ لَا تُكْثِرَ عَلَيْهِ السُّؤَالَ
 وَلَا تَأْخُذَ بِثَوْبِهِ وَإِذَا دَخَلْتَ عَلَيْهِ وَعِنْدَهُ
 قَوْمٌ فَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ جَمِيعاً وَخُصَّهُ بِالتَّحِيَّةِ
 دُونَهُمْ وَاجْلِسْ بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَا تَجْلِسْ خَلْفَهُ
 وَلَا تَغْفِزْ بَعَيْنَكَ وَلَا تُشِيرَ بِيَدِكَ وَلَا تُكْثِرَ
 مِنَ الْقَوْلِ، قَالَ: فَلَنْ وَقَالَ فَلَنْ خِلَافاً
 لِقَوْلِهِ وَلَا تَضْجُرْ بِطُولِ صُحْبَتِهِ، فَإِنَّمَا مَثَلُ
 الْعَالِمِ مَثَلُ النَّخْلَةِ تَنْتَظِرُهَا حَتَّى يَسْقُطَ
 عَلَيْكَ مِنْهَا شَيْءٌ»^۱ از جمله حقوق عالم
 این است که از او زیاد نپرسی و
 جامه‌اش نگیری و چون بر او وارد
 شدی و گروهی نزد او بودند، به همه
 سلام کن و او را نزد آنها بتحیت
 مخصوص گردان، مقابلش بنشین و
 پشت سرش منشین، چشمک مزن، با
 دست اشاره مکن، پرگویی مکن که

خضر علیه السلام علم بیاموزد، از او اجازه خواست. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَيْكَ عَلَى أَنْ تُعَلِّمَ مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْداً؟»^۱ «موسی به او گفت: آیا از تو پیروی کنم تا از آنچه به تو تعلیم داده شده و مایه رشد و صلاح است به من بیاموزی؟»^۲ استاد می‌تواند با توجه به

۱. حضرت خضر علیه السلام با توجه به خصوصاتی که در حضرت موسی علیه السلام سراغ داشت آموزش او را مشروط به شکیبایی و عدم درخواست دلیل کارهایش کرد؛ چنانکه قرآن می‌فرماید: «قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا * وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهٖ خُبْرًا * قَالَ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا * قَالَ فَإِنِ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْتَلِئْنِي عَنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ أُخْبِرَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا»؛ «گفت: تو هرگز نمی‌توانی با من شکیبایی کنی! * و چگونه می‌توانی در برابر چیزی که از آموزش آگاه نیستی شکیبایی باشی؟! * [موسی] گفت: به خواست خدا مرا شکیبایی خواهی یافت و در هیچ کاری مخالفت فرمان تو نخواهم کرد! * [خضر] گفت: پس اگر می‌خواهی بدنبال من بیایی، از هیچ چیز میرس تا خودم [به موقع] آن را برای تو بازگو کنم.» (کهف/۶۷-۷۰).

۲. کهف/۶۶.

۳. کافی، ج ۱، ص ۳۷، اصول کافی، ترجمه

مصطفوی، ج ۱، ص ۴۵.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز می فرمایند:
 «سَأَلُوا الْعُلَمَاءَ وَخَاطَبُوا الْحُكَمَاءَ وَ
 جَالَسُوا الْقُرَرَاءَ؛ از علما پرسید، با
 حکما هم سخن و با فقرا همنشین
 شوید.»^۲

۵. پرسیدن، برای فهمیدن

این شرط از جمله شرایط مهم
 پرسشگری است که در روایتهای
 فراوانی بدان اشاره شده است. به
 عنوان نمونه، در تاریخ می خوانیم:

روزی امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام در مسجد
 جامع کوفه بود، مردی از اهالی شام از
 جا حرکت کرده، گفت: یا
 امیرالمؤمنین! من چند سؤال از تو
 دارم. حضرت فرمود: «سَلْ تَقْهَأَ وَنَا
 تَسْأَلْ تَقْتَأُ»^۳؛ پرس؛ اما برای فهمیدن،
 نه برای به سختی و دشواری انداختن
 [پاسخگو]. مولای متقیان دلیل اینکه
 آدمی باید برای فهمیدن پرسد، نه
 برای لجبازی و دیگران را به زحمت
 انداختن، چنین بیان می کند: «فَلْيَنْ

فَلَانِي وَفَلَانِي بِرِخْلَافِ نَظَرِ أَوْ چنين
 گفته اند و از زيادی مجالستش دلنگ
 مشو؛ زیرا مثل عالم مثل درخت
 خرماست؛ باید در انتظار باشی تا
 چیزی از آن بر تو فرو ریزد.»

۳. پیشدستی نکردن بر استاد در پاسخ

به سوالات

وقتی عده ای در محضر استاد
 هستند و شخصی مسئله ای را پرسید،
 دیگران نباید به جای استاد به سؤال
 جواب دهند؛ زیرا ادب اقتضا می کند
 که جواب دادن را به استاد ارجاع
 دهند.

۴. پرسیدن از عالم

پرسشگری برای فهمیدن است، از
 اینرو آدمی باید مطالب خود را از
 کسی بپرسد که پاسخ را می داند.
 پرسیدن از کسی که دانش کافی
 ندارد، خود را به مهلکه انداختن
 است؛ لذا قرآن کریم در دو آیه از
 مردم می خواهد از اهل ذکر بپرسند:
 «تَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»؛
 «اگر نمی دانید، از آگاهان بپرسید»

۲. تحف العقول، ص ۳۵.

۳. نهج البلاغه، ص ۵۳۱.

۱. نحل / ۴۳؛ انبیاء / ۷۱.

الْجَاهِلِ الْمُتَعَلِّمِ شَبِيهٌ بِالْعَالِمِ وَإِنَّ الْعَالِمَ الْمُتَعَلِّمَ - الْمُتَعَلِّمَ - شَبِيهٌ بِالْجَاهِلِ الْمُتَعَلِّمِ؛^۱ نادان آموزنده همانند داناست و دانای برون از راه انصاف، همانند نادان پرچون و چرا.^۲

اهمیت این اصل به گونه‌ای است که در روایتهای فراوان از امیرمؤمنان و امام صادق علیهما السلام این مطلب نقل شده است.^۳

۶. پرسیدن از یک عالم

وقتی پرسشگر، شخصی را شایسته پرسیدن دید، باید مسئله و مشکل خود را با او در میان گذارد و در صورتی که پاسخگو جواب داد، دلیلی وجود ندارد که شخص بخواهد از افراد مختلف مسئله را بپرسد؛ زیرا این امر باعث سردرگمی بیش‌تر او

خواهد شد. شاید مقصود امیرمؤمنان علیه السلام که می‌فرماید: «إِذَا أَرَدْتُمْ الْجَوَابَ خَفِيَ الصَّوَابُ»^۴ هرگاه پاسخها بسیار شود، پاسخ درست پوشیده خواهد شد.^۵ نیز همین امر باشد. علامه مجلسی در توضیح این حدیث می‌فرماید: شاید این حدیث بر این مطلب دلالت کند که نباید مسئله واحد را از چند دانشمند پرسید.^۶

۷. تشکر از پاسخگو و دعا برای وی

پاسخ دهنده در واقع استادی است که مطالب را به پرسشگر می‌آموزد، از اینرو پرسشگر وظیفه دارد به خاطر علمی که به او آموخته، از او تشکر کند. در حدیثی منسوب به امیرمؤمنان علیه السلام می‌خوانیم: «مَنْ تَعَلَّمْتَ مِنْهُ حَرْفًا صِرْتَ لَهُ عَبْدًا»^۷ هر کسی که از او کلمه‌ای بیاموزی، بنده‌اش خواهی شد.^۸ از اینرو از برخی از دانشمندان

۱. همان.

۲. بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۷۵، همان، ج ۱، ص ۲۲۱ و ج ۵۴، ص ۲ و ج ۵۵، ص ۶۱، و ج ۶۲، ص ۴۴۵، خصال، ج ۱، ص ۲۰۸؛ علل الشرائع، ج ۲، ص ۵۷۷؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۴۰؛ نهج البلاغه، ص ۵۳۱؛ أمالی، شیخ طوسی، ص ۳۷۱.

۳. نهج البلاغه، ص ۵۳۱.

۴. بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۲۳.

۵. عوال اللثالی، ابن ابی جمهور احسایی، ص

۲۹۲؛ بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۳۹.

نقل شده که گفته‌اند: من بنده کسی هستم که از او علمی آموخته‌ام.^۱

۸. توجه دقیق به پاسخ

هدف از پرسشگری، فهمیدن است و مقدمه فهم، توجه دقیق به پاسخ است. «إسحاق بن عمار»، که افتخار شاگردی امام صادق و امام کاظم و امام رضا علیهم‌السلام را دارد، گوید: از امام

کاظم علیه‌السلام پرسیدم: چگونه است که در هر رکعت نماز دو سجده است و چگونه با دو سجده دو رکعت خوانده نمی‌شود؟ امام پیش از ارائه پاسخ فرمود: «إِذَا سَأَلْتَ عَنْ شَيْءٍ فَفَرِّغْ قَلْبَكَ لِتَفْهَمْ»^۲ وقتی از مطلبی پرسیدی، قلب خودت را برای فهمیدن آماده کن. سپس امام پاسخ پرسش اسحاق را فرمود.

مشابه روایت فوق از امام

صادق علیه‌السلام نیز نقل شده است.^۳

۹. خوب و واضح پرسیدن

وقتی آدمی پاسخ مناسب دریافت

می‌کند که خوب پرسد. از نگاه پیامبر

اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خوب پرسیدن نیمی از

دانش است؛ چنانکه فرمود: «أَحْسَنُ

السُّؤَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ»^۴ در روایتی از

مولای متقیان نیز به این اصل اشاره

شده است.^۵

۱۰. رعایت اختصار

پرسشگر باید از پرگویی پرهیز

کرده، سؤال خود را در کلامی کوتاه؛

ولی گویا پرسد؛ زیرا از نگاه مولای

بیان، بهترین گفتار، سخنی است که

در عین کوتاهی گویا باشد؛ چنانکه

فرمود: «خَيْرُ الْكَلَامِ مَا لَا يُعِيلُ وَلَا يَقِيلُ»^۶

بهترین سخن آنست که ملالت نیآورد

و کم نباشد. یعنی نه آن قدر پرگویی

شود که باعث ملالت شنونده شود، و

۴. بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۲۴.

۵. «مَنْ أَحْسَنَ السُّؤَالِ عَلِمَ» و نیز فرمود: «مَنْ عَلِمَ

أَحْسَنَ السُّؤَالِ» (تصنیف غرر الحکم و درر الکلم،

ص ۶۰).

۶. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۱۰.

۱. رک: منیة المرید، ص ۲۳۶.

۲. علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۳۴.

۳. معائن، احمد بن محمد بن خالد البرقی، ج ۲،

ص ۳۲۳.

نه آن قدر مختصر باشد که نتواند
مطلب مورد نظر را برساند.^۱

۱۱. رعایت زمان مناسب

پرسشگر زمانی باید انتظار پاسخ
مناسب داشته باشد که خودش زمان
پرسشگری را بداند. او باید زمان
شناس باشد و در مواقعی که پاسخگو
برای پاسخ دهی آمادگی ندارد؛ مانند
وقت اذان و نماز، هنگام استراحت و
... از پرسیدن خودداری کند. و
چنانکه خواهد آمد، در این زمان
پاسخگو نیز باید از پاسخ‌دهی
خودداری کند.

گویند: یکی از استادان برجسته به
شاگردان و دانشجویان، توصیه می‌کرد
که در این زمانها راجع به مسائل دین
از من نپرسید:

۱. آنگاه که راه می‌روم.

۲. زمانی که با مردم سرگرم گفتگو
هستم.

۳. وقتی که سرپا ایستاده‌ام.

۴. موقعی که برای استراحت، به
چیزی تکیه کرده‌ام.

زیرا انسان در چنین مواقعی از
تمرکز حواس و اندیشه محروم است
و نمی‌تواند فکر خود را در جهت
ادای مطلب متمرکز سازد. فقط در آن
موقعی از من پرسش کنید که بهترین
زمان تجمع حواس و تمرکز اندیشه‌ها
به شمار می‌آید. (و من آمادگی کامل
برای پاسخگویی دارم).^۲

۱۲. رعایت نوبت

چنانکه پاسخ‌دهنده هنگام پاسخ
دهی باید نوبت پرسشگران را رعایت
کند، پرسشگران نیز باید در مواقعی
که چند نفر می‌خواهند مطلبی را
پرسند، نوبت را رعایت کنند. ائمه
معصومان علیهم‌السلام نیز بر این نکته تأکید
کرده‌اند؛ به عنوان نمونه در روایتی
می‌خوانیم:

۱. ممکن است که «یقل» به صیغه مجهول از باب
افعال خوانده شود و معنی این باشد که: کم شمرده
نشود؛ یعنی مردم آنرا کم نشمارند. (شرح آقا
جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم، ج ۲،

تو مسئله‌ای پرسید. [کمی درنگ کن و در جای خویش] بنشین تا قبل از رسیدگی به خواسته تو، حاجت او را برآورده کنیم.

۱۳. شرم نکردن

با توجه به اینکه پرسش، کلید دانایی است، کسی نباید از دریافت این کلید طلایی شرم کند؛ از این رو پرسشگر نباید از سؤال و پرسش خود شرم و حیا ورزد؛ چنانکه در روایات از پرسشگران خواسته شده است که سؤال خود را بدون شرم مطرح کنند. به عنوان نمونه، در روایتی می‌خوانیم: امام باقر علیه السلام به شخصی به نام ابراهیم که از پرسیدن برخی مسائل شرم می‌کرد، فرمود: «يَا اِبْرَاهِيمُ سَلْ وَ لَآ تَسْتَنْكِفْ وَ لَآ تَسْتَحْيِ فَاِنَّ هَذَا الْعِلْمَ لَآ يَتَعَلَّمُهُ مُسْتَكْبِرٌ وَ لَآ مُسْتَحْيٍ؛ ای ابراهیم! سؤال کن و خودداری نکن و شرم و حیا ننما، این دانش را متکبر و کسی که از سؤال حیا می‌کند، فرا نمی‌گیرد.»^۲

چنانکه پاسخ دهنده هنگام پاسخ دهی باید نوبت پرسشگران را رعایت کند، پرسشگران نیز باید در مواقعی که چند نفر می‌خواهند مطلبی را بپرسند، نوبت را رعایت کنند

یکی از انصار برای طرح پرسش، حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسید. در این اثنا مردی از قبیله ثقیف وارد شد، [و در حین گفتگوی مرد انصاری با آن حضرت، شروع به سخن کرد]. حضرت به او فرمود: «يَا اَخَا ثَقِيفٍ اِنَّ الْاَنْصَارِيَّ قَدْ سَبَّكَ بِالسَّأَلَةِ فَاجْلِسْ كَيْمَا نَبْذَأُ بِحَاجَةِ الْاَنْصَارِيَّ قَبْلَ حَاجَتِكَ؛ ای برادر ثقیفی! این مرد انصاری، پیش از

۱. بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۶۳ منیسة المرید،

ص ۲۷۲؛ میزان الحکمة، ج ۲، ص ۱۲۲۷.

۲. غلل الشرائع، ج ۲، ص ۵۷۷.

در روایت دیگری امام موسی بن جعفر علیه السلام به زنی که از پرسیدن برخی مسائل قاعدگی شرم داشت، فرمود: «سئلی و لآ تستخینی؛ پیرس و خجالت نکش...» آن گاه زن مسائل خود را مطرح کرده، پاسخ مناسب دریافت کرد.^۱

۱۴. ضبط نکردن، مگر با اجازه

با توجه به کثرت وسایل ضبط صدا و تصویر، یکی دیگر از شرایط پرسشگری این است که پرسشگر بدون اجازه و هماهنگی با پاسخگو از ضبط کردن پاسخ خودداری کند و این امر در پاسخهایی که در جواب فرد یا افراد خاصی ارائه می‌شود، بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا چه بسا استاد پاسخگو، جواب را با توجه به شرایط و زمان و مکان خاصی که در آن هستند، القا می‌کند، وقتی پاسخ ضبط شود، این شرایط تغییر می‌کند و چه بسا ممکن است پاسخ نیز تغییر کند و از اینرو باید قبل از ضبط از استاد استجازه کند.

۱۵. عجله نکردن

پرسشگر نباید هنگام پرسیدن عجله کند یا اگر از استاد عملی مشاهده کرد که در نگاه اول برایش نامفهوم بود، نباید فوراً لب به اعتراض بگشاید و چه بسا عجله بیهوده یا اعتراض نابهنگام باعث شود استاد پاسخگو فرصت نیابد مطلب را کامل بیان کند و اعتراض بیجا موجب دلخوری او خواهد شد. این مطلبی است که از داستان حضرت خضر و حضرت موسی علیه السلام استفاده می‌شود؛ چنانکه علامه مجلسی می‌نویسد: «از چگونگی معاشرت موسی با آن عالم ربانی (خضر) و آموزش موسی، بسیاری از آداب تعلیم و تعلم روشن می‌شود که پیروی از دانشمند، همراهی با استاد، چگونگی تقاضای دانش با کمال ادب ... و صبر در آنچه دانش‌آموز نمی‌داند و عجله نکردن در پرسیدن ... از جمله آنها است.»^۲

۲. این داستان در سوره کهف، آیات ۶۰ به بعد آمده است.

۳. بحار الأنوار، ج ۲، ص ۴۱.

۱. کافی، ج ۳، ص ۵۹.

پرسشگر باید از پرگویی پرهیز کرده، سؤال خود را در کلامی کوتاه؛ ولی گویا بپرسد؛ زیرا از نگاه مولای بیان، بهترین گفتار، سخنی است که در عین کوتاهی گویا باشد

در برابر این دسته از روایات، در
برخی از روایات به سئول بودن و
زیاد پرسیدن دعوت کرده‌اند و یکی
از اوصاف امیرمؤمنان «سئول بودن»
عنوان شده است.^۲

به نظر می‌رسد، روایات ناهیه در
مورد سؤالات تعتی، بیهوده یا
پرسیدن بدون سایر شرایط پرسشگری
باشند و روایاتی که زیاد پرسیدن را
نیکو می‌دانند، در سؤالات تفقهی
باشند که شرایط پرسشگری در آن
رعایت شده است.

۱۶. کم و گزیده پرسیدن
همانگونه که افراط و تفریط در
تمام امور، ناپسند و نکوهیده است،
در پرسشگری نیز چنین است.
نرسیدن به خاطر شرم، غرور و ...
ناپسند، و پرسشگری بیهوده نیز ناروا
است. در روایت امام صادق علیه السلام که
دربارۀ آداب پرسشگری و تعلم است،
می‌خوانیم: «كَانَ عَلِيٌّ عليه السلام يَقُولُ: إِنَّ مِنْ
حَقِّ الْعَالِمِ أَنْ لَا تُكْثِرَ عَلَيْهِ السُّؤَالَ؛
امیرمؤمنان می‌فرمود: از جمله حقوق
عالم این است که در پرسیدن از او
زیاده روی نکنی.»

با توجه به کلمۀ «کان» که در
حدیث آمده، می‌توان گفت: این حق
از حقوقی بوده که حضرت چند بار
آن را تکرار می‌کردند که می‌تواند
دلیلی بر اهمیت پرهیز از زیاده‌روی
در پرسشگری از منظر امام علی علیه السلام
باشد.

۲. كشف الغمہ فی معرفة الائمة، ج ۱، ص ۱۱۱

كشف اليقين فی فضائل امير المؤمنين عليه السلام، ص ۵۲.

۱. همان، ج ۲، ص ۴۰ که تمام حدیث گذشت.